پذیرش

پذیرش عمل اجازه ورود به یک مکان است.

بلیط ورود به فیلم 5 دلار بود.

ستاره شناسی

نجوم مطالعه ستارگان و سیارات است.

هارولد عاشق تماشای ستارگان بود ، بنابراین تصمیم گرفت که در رشته نجوم تحصیل کند.

سرزنش کردن

مقصر دانستن شخص برای یک کار بد این است که بگوییم این کار را انجام داده است.

مادرم مرا به خاطر کاری که انجام ندادم مقصر دانست.

علم شیمی

شیمی علم مطالعه ی واکنش به مواد است .

در کلاس شیمی ، استاد در مورد واکنشهای شیمیایی به ما آموخت.

با وجود

اگر اتفاقی با وجود کاری که می کنید رخ دهد ، به هر حال اتفاق می افتد.

ما هنوز هم با وجود هوای سرد بازی را انجام دادیم.

دایناسور

دایناسور حیوان بسیار بزرگی است که میلیون ها سال پیش زندگی می کرده است.

من دوست دارم استخوان های دایناسور را در موزه ببینم.

نمایشگاه

نمایشگاه نمایش موارد جالب است.

یک نمایشگاه حیوانات در نمایشگاه بود.

شهرت

شهرت شهرتی است که شخص در میان مردم کسب کرده است.

او شهرت و ثروت داشت اما خوشحال نبود.

پیش بینی

پیش بینی ایده ای است در مورد وضعیت آب و هوا در آینده.

پیش بینی می گوید که تمام هفته باران می بارد.

نبوغ

یک نابغه فردی بسیار باهوش است.

از آنجا که او یک نابغه بود ، به راحتی همه امتحانات مدرسه خود را گذراند.

ملایم

شخصی که لطیف است مهربان و آرام است.

او با کودک بسیار ملایم است.

جغرافیا

جغرافیا مطالعه مکانی است که در آن قرار دارد.

برای کلاس جغرافیا باید نقشه می کشیدم.

مداخله کردن

دخالت به معنای ایجاد مشکل و جلوگیری از اتفاق افتادن چیزی است.

خواهر کوچکم همیشه وقتی می خواهم درس بخوانم دخالت می کند.

سبک

سبک انجام دادن کاری این است که خیلی سخت فشار نیاورید.

به آرامی نقاشی بکشید تا کاغذ خود را پاره نکنید.

مدیر اصلی

مدیر مسئول مدرسه است.

مدیر مدرسه من با قوانین بسیار سختگیرانه می تواند باشد.

ردیف

ردیف یک خط از چیزها است.

جیمز همه سربازان اسباب بازی خود را در صف های مرتب قرار داد.

تاقچه

قفسه جایی است بر روی دیوار که وسایل را در آن قرار می دهید.

لباس هایم را در قفسه کمد خود نگه می دارم.

غرض

اگر از روی غرض کاری انجام دهید ، می خواهید بدخواه باشید.

او وارد اتاق خواهرش شد و از سر غرض کیف او را دزدید.

فوق العاده

فوق العاده یعنی واقعا خوب.

پدرم گفت من کار نظافت فوق العاده ای انجام دادم.

مرطوب

اگر چیزی مرطوب باشد ، آب روی آن است.

از آنجا که سگ من خیس بود ، سعی کرد تمام آب بدنش را تکان دهد.

این بدترین صبح بود. وقتی کارل از خواب بیدار شد ، متوجه شد که تکالیف نجوم و شیمی خود را انجام نداده است. همچنین ، پیش بینی بارش باران بود و این روی تمرین بیس بال تأثیر می گذارد. ناگهان مادرش فریاد زد: "همین حالا زباله ها را بیرون بیاور!" وقتی کارل از بیرون بردن زباله برگشت ، همه او خیس بود. وی گفت: "چه روز وحشتناکی است."

به کلاس رفت. چترش را گذاشت روی قفسه و در ردیف سوم نشست. اما معلم پرسید چرا چتر کارل روی زمین است. به او گفت سرزنش نکن. اما او علی رغم کارل را به نزد مدیر اصلی فرستاد.

بعد ، او در یک آزمون جغرافیا شرکت کرد. علیرغم مطالعه ، کارل جوابها را نمی دانست. اوبه ارامی شروع به کشیدن روی کاغذ خود کرد.

کارل یک دایناسور عظیم ترسیم کرد. اگر واقعی بود چطور؟ او آن را در ذهن خود دید. بچه های کلاس کارل گفتند که او نابغه داشتن دایناسور است. این می تواند در کلاس ریاضی نیز تداخل ایجاد کند! به زودی ، شهرت کارل در مدرسه گسترش یافت.

او به دایناسور خود یاد داد كه بسیار ملایم باشد و آن را به معرض نمایش بگذارد. اما اجازه فقط به همکلاسی هایی که به او شهریه پرداخت می کنند داده می شود. ایده او فوق العاده بود.

معلم گفت: "وقت آن است که آزمون های خود را ارائه دهید." کارل به برگه ی خود نگاه کرد. همانطور که در کلاس رویا پردازی می کرد ، آزمون را تمام نکرده بود!